

هیدگر و گشایش راه تفکر آینده

(به ضمیمه فلسفه چیست؟ هیدگر)

دکتر رضی اردکانی

نقشه

تهران ۱۳۹۳

سرشناسه	داوری، رضا، ۱۳۱۲ -
عنوان و نام پدید آور	هیدگر و گشایش راه تفکر آینده (به ضمیمه فلسفه چیست؟ هیدگر) / رضا داوری اردکانی.
مشخصات نشر	تهران، نقش جهان، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۱۰ + ۱۲۶ ص.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۶۶۸۸-۶۱-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فنیبا	
یادداشت	نماینه
موضوع	هیدگر، مارتین، ۱۸۸۹-۱۹۷۶ م.
موضوع	Martin Heidegger
موضوع	فلسفه
موضوع	فلسفه جدید - قرن ۲۰ م.
ردیف کتابخانه	۱۳۹۳ ۱۲۹۵۲ / ۳۲۷۹ B
ردیف دیوئی	۱۹۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۴۳۵۵۲۱

نشر

دکتر رضا داوری اردکانی

هیدگر و گشایش راه تفکر

تنقیح: سید ابراهیم اشک شیرین

حروفچینی: شبستری

چاپ اول: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سروش

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق است به:

انتشارات نقش جهان

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،

خیابان وحید نظری، کوچه جاوید یک، شماره ۱

تلفن و نمابر: ۸-۶۶۷۵۴۴۷

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۸۸-۶۱-۲

فهرست

یادداشت	ز
هیدگر و گشایش تفکر آینده	۱
وجود در نظر هیدگر (ص ۱۰۰)	۷۵

ضمیمه

فلسفه چیست؟ هیدگر	۸۹
فهارس	۱۱۹

یادداشت

«به مرد حکیم فرمان نباید داد،
بلکه از وی فرمان بایست برد.»
ارسطو

در دهه‌های نخست یعنی اوائل فروکش کردن تب و تاب سارتر و اوایل «مد» شدن هیدگر در جرائد طنز-کمی از اهل تمیز اظهار کرد: «اغلب استادانی که درباره این فیلسوف بزرگ (هیدگر) ملفرسانی می‌کنند، کوچکترین آشنائی با اندیشه و تفکر او ندارند» و تمنی کرد که استاد از سر هیدگر بردارند تا او رساله‌ای که در باب اقدیشه و آثار هیدگر بیابان به است طبع کند، چرا که خوف و واهمه داشت بلانی که بر سر حکمائی چون سارتر کرک‌گردد چه و... آمده است، بر سر او هم آوار شود.

سرانجام نه رساله مفردة آن استاد، یعنی دکتر فرید تخت‌عمران «همسخنی هیدگر و فردید» که نوید داده بود، از بقعه امکان به عرصه ورود آمد. فیلسوفان و طنی دست از سر هیدگر برداشتند.

امروزه بعضی از آثار هیدگر ترجمه شده و کتب و مقالاتی در باب فلسفه او تألیف و ترجمه شده است، ولی زبان فلسفه علی‌الخصوص زبان فلسفه جدید دشوار است و نامأنوس، بنظر می‌آید اگر مترجمان آنچه را ترجمه کرده‌اند فهمیده‌اند، اما خوانندگان در فهم آن با مشکلاتی مواجهند و از سوئی ظن غالب می‌رود که لااكثر مترجمان از پسند و سلیقه شخصی است که تبعیت می‌کنند تا التفات به معنی و مفهوم و سابقه حدود و اصطلاحات و تعابیر، حال آنکه هر علمی را

اصطلاحی است خاص خود و مسأله اصطلاحات و تعاریف و حدود سابقه‌ای به عمر هر علمی دارد و چون موضوع فلسفه معقولات ثنائیه است این دقت و ممارست در فلسفه و حکمت از هر علم دیگری ضرورت آن بیشتر است. این عدم التفات و سهل‌انگاری به نوعی خود باعث هرج و مرج و پریشانی عجیب و غریبی شده است و در بیشتر موارد موجب تشویش اذهان و تشویه آثار و افکار است، لذا در اختیار الفاظ و اصطلاحات و تعابیر نباید مسامحه شود و از افلاطون نقل شده است که انسان متفهمند، یعنی انسان را فریب می‌دهند.

در بعضی موارد چنین استنباط می‌شود که مترجم چیزی از فلسفه نمی‌داند و طرفه این که بعضی از همین اشخاص داعیه هم دارند، یعنی به نوعی دچار توهم و جهل مرکب هم هستند.

مع‌الاسف این پرسش نمی‌تواند خاص آثار و افکار هیدگر قیست، بلکه مشکل خوانندگان ترجمه آثار کلاسیک فلسفه و آثار هگل و امثال و اقران او هم کم نیست، گرچه براساس همین آثار این لیسانس و فوق لیسانس و دکتر و صاحب نظر و کارشناس فلسفه و فرهنگ می‌شوند و در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی که شمار آنها هم کم نیست، مشغول کار و تدریس و افاده فیض می‌شوند و طالبانی هم به استفاده و دفع مجهولات و کسب معلومات شغولند.^۱

همچنین مشکل فقط همین نیست و کار به همین جا ختم نمی‌یابد، بلکه هرازگاهی چوب حراج به یکی از متفکران زده، بنای طبله‌ای بر آن گذاشته می‌شود و اگر کسی بدین «مذهب مختار» تن در ندهد، حسابش با کلام‌الکاتبین است. یک روز افلاطون، روز دیگر هگل، سدیگر هیدگر، امروزه هم زید و فردا... مصیبت اینجاست که بعضی به اتهام فحش دادن مطرود و مطعون می‌شوند و بعضی برای اینکه چرا با فلان اهل فکر «تسویه حساب» نکرده و فحش و بد و بیراه

۱. رشته‌های دیگر علوم انسانی و اجتماعی هم وضعی بهتر از فلسفه ندارند. «سیدجواد طباطبائی، «چه کسی درست ترجمه می‌کند»، خردنامه همشهری، دوره جدید، ش ۱۱۵ (مهر و آبان ۱۳۹۲)، ص ۱۴۶.

نگفته و با کسانی که دست طرف را از جواب دادن کوتاه دیده و یا بازار را آشفته به میدان آمده و یا اهل داده شده، همسخن نمی‌شوند به محاکمه کشیده و بازخواست می‌شوند یا متهمند که در باب ماهیت و ذات اشیاء و امور تفکر می‌کنند، لابد نمی‌دانند که فیلسوفی که از ذات و ماهیت بحث نکند، چگونه می‌توان او را فیلسوف خواند! اگر بنا باشد تکلیف فیلسوف و متفکر و هنرمند را دیگران آن‌هم دیگران نااهل تعیین کنند از فلسفه و هنر دیگر چه می‌ماند. آیا بنای کار و زندگی البته آدمی از زه و کوس نشده است؟

زیرکی را فتم این احوال بین خندید و گفت

صعب کاری بوالعجب روزی پریشان عالمی

کسانی که عام مردم را تولید در بعضی اعمال باز می‌دارند و آن را بر نمی‌تابند، چگونه خود به کسانی که معالین قومند و بایست گوش جان به کلام و سخن آنها سپرد، امر و نهی می‌کنند.^۱

این حرکات و صحنه‌ها ادم را محاکمه سقراط و غوغا و آشوب سوفسطائیان می‌اندازد و بیشتر مخالفان و عناد با تفکر و فلسفه است تا افراد و اشخاص. فرد و افراد و جماعتی که بدین اعمال و رفتار مبادرت می‌کنند، غالب آن است که تماسی با فلسفه و تفکر و آزادگی و رادیکالیسم ندارند، بلکه آن را تابع اهواء و احساسات و اغراض و مقاصد روزمره خود کرده و لذا این الفاظ را لقلقه زبان کرده و به تفکر و فرهنگ و فلسفه و هم مردمی که طالب و جویای حقیقتند جفا و ظلم روا می‌دارند، آن‌هم زیر لوای آزادی و خیرخواهی و مصححت‌نویسی. لذا راقم سطور با التفات به آثار فراوانی که در بازار کتاب موجود است که اشاره‌ای به وصف آنها شد، مطالب استاد را که در چند کتاب چاپ شده بود، با کسب اجازه در این مجموعه فراهم آورده است که دسترسی برای اهل آن سهل و آسانتر باشد.

۱. ← رضا داوری اردکانی، «همیشه به سیاست توجه داشته‌ام»، مهرنامه، س ۴، ش ۳۱ (مهرماه ۱۳۹۲)، ص ۲۲۴-۲۰۷.

رساله فلسفه چیست هیدگر را هم که ضمیمه کتاب فلسفه در قرن بیستم مکرراً طبع شده، ولی مغفول واقع گردیده است؛ حتی در ص.ع. (صفحه عنوان) و فهرست کتاب به اصطلاح «فیفا» که از طرف کتابخانه ملی تهیه می شود بدان ارجاع داده نشده است و لذا در فهرس کتابخانه ها و دیگر منابع و مآخذ اطلاع رسانی دهانی از آن نیست و خیلی افراد مشتاق و دانشجویان و طلاب از آن بی خبرند و از طرف ناشر محترم هم اقدامی جهت رفع این نقیصه، علی رغم تجدید طبع مکرر کتاب، انجام نپذیرفته است، ضمیمه آن کرد.^۱

در پاسخ امین یکنه قاریان محترم در خطاهای وارد در این طبع به دیده اغماض نگرانید و سطور را از پیشنهادهای و انتقادهای سازنده خود محروم نسازند که در طبعی مدی بران شود.

إلهی خَلَصْنَا عَنِ الْإِشْغَالِ بِالْمَلَاهِي وَأَرَنَا حَقَائِقَ الْأَشْيَاءِ كَمَا هِيَ

سید ابراهیم اشک شیرین

E.ashkshirin@yahoo.com

(۱) حتی بعد ۹ بار تجدید طبع غلط چاپی عنوان رساله تصحیح نشده، البته این انتظار بجائی هم نیست که ما داریم، چون اهل معنی به الفاظ و ظواهر چندان التفاتی ندارد، معذور دار.